

یادداشت

پیمان مکه؛ موازنه‌ای شکننده در معماری امنیتی منطقه



حمیدرضا اکبرپور

پژوهشگر ارشد مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه

آنچه روز جمعه شانزدهم مرداد در مکه مکرمه رقم خورد، صرفا یک پیمان دفاعی سه‌جانبه نبود، بلکه نشانه‌ای از بازآرایی عمیق‌تری در توازن قوای خاورمیانه به شمار می‌رود. عربستان سعودی، ترکیه و پاکستان با امضای این سند متعهد شدند حمله مسلحانه به هریک از اعضا را حمله به تمامی سه کشور تلقی کنند؛ ترتیبی که در گفتار مقامات ترکیه‌ای به سازوکار ماده پنج ناتو تشبیه شده است. ترکیب اعضا از این حیث جالب است که سه نوع قدرت متفاوت را در یک ظرف واحد گرد هم می‌آورد. توان هسته‌ای پاکستان، وزن نظامی ترکیه به عنوان عضو ناتو و ثقل اقتصادی عربستان در معادلات انرژی جهانی.

این پیمان را نمی‌توان بی‌ارتباط با فرسایش تدریجی اعتماد کشورهای منطقه به چتر امنیتی آمریکا خواند. سه سال پایانی تنش، جنگ و ناامنی در خاورمیانه، از جمله برای ریاض که صادرات نفت و برنامه‌های توسعه‌اش را در معرض خطر دیده، این پرسش را برجسته کرده که آیا اتکا به یک قدرت فرامنطقه‌ای همچنان کارآمد است یا باید به سمت آرایش‌های امنیتی بومی‌تر حرکت کرد؟ در واقع، بستر عملیاتی این پیمان از پیش فراهم شده بود؛ خرید پهپادهای ترکیه‌ای توسط ریاض در سال ۲۰۲۳ و استقرار هزاران نیرو و تجهیزات پاکستانی در خاک عربستان، نشان می‌دهد همکاری دفاعی میان این سه کشور روندی تدریجی و از پیش در حال شکل‌گیری بوده، نه تصمیمی ناگهانی. جالب آنکه طراحان این سند تاکید دارند دروازه آن به روی سایر کشورهای منطقه، به‌ویژه کشورهای اسلامی همسو، باز است و این پیمان قرار نیست جایگزین ترتیبات موجود شود، بلکه مکمل آنهاست. مشروعیت اسلامی مشترک میان سه عضو، در کنار این رویکرد باز عضویت، ظرفیت گسترش تدریجی ائتلاف را فراهم می‌کند؛ هرچند این ظرفیت هنوز در مرحله بالقوه باقی مانده است.

با این حال، آنچه این پیمان را در نگاه اول یکپارچه نشان می‌دهد، در بررسی دقیق‌تر ائتلافی از منافع ناهمگون است. تحلیل شورای آتلانتیک به‌دستی اشاره می‌کند که هر عضو در واقع به‌دنبال موازنه در برابر رقیب خاص خودش است. عربستان در برابر ایران، پاکستان در برابر هند، و ترکیه در برابر یونان و اسرائیل که همسایه‌ای با لحنی روزافزون خصمانه است. این ناهمگونی اهداف، همان جایی است که شکنندگی ائتلاف را آشکار می‌کند؛ زیرا هیچ‌یک از منازعات جاری اعضا با امضای این سند از میان نرفته است. ترکیه همچنان درگیر اختلاف دیرینه با یونان و قبرس بر سر مدیترانه شرقی است، پاکستان هم با هند در تنش تاریخی به سر می‌برد و هم با طالبان حاکم بر افغانستان روابطی پرتنش دارد و عربستان هنوز از پیامدهای جنگ یمن رها نشده است. تعهد به دفاع مشترک در چنین شرایطی، می‌تواند هر عضو را ناخواسته درگیر بحران دوجانبه عضو دیگر کند؛ ریسکی که برخی ناظران آن را زمینه‌ساز کشیده‌شدن بیشتر پاکستان به رقابت‌های خاورمیانه‌ای می‌دانند.

تأثیر این پیمان به مرزهای سه کشور عضو محدود نمانده است. کنوال سیبال، وزیر خارجه پیشین هند، این توافق را رویدادی به‌شدت زیان‌بار برای منافع کشورش دانست و پیشنهاد کرد دهل‌نو گزینه‌های راهبردی خود را با امارات، اسرائیل، یونان، قبرس و افغانستان گسترش دهد. این پیشنهاد در عمل با طرحی که نتانیاهو پیش‌شش تحت عنوان ائتلافی شش‌ضلعی دنبال کرده بود، هم‌راستاست؛ طرحی که اسرائیل، یونان، قبرس، هند و شماری از کشورهای عربی و آفریقایی را در بر می‌گیرد. به این ترتیب، در پاسخ به شکل‌گیری محور اسلامی مکه، ممکن است صف‌بندی دیگری شکل بگیرد که رقباي مشترک اعضای این پیمان را در یک جبهه غیررسمی کنار هم قرار می‌دهد؛ پیوندی که منطقی‌تر باید در همان تقابل‌های دوجانبه‌ای جست که پیش‌تر برشمردیم. در نهایت، پدسامت اصلی این است که این آرایش امنیتی جدید عمدتا معطوف به کدام تهدید است. روایت غالب در رسانه‌ها و محافل تحلیلی نزدیک به اسرائیل، این پیمان را واکنشی به جنگ اخیر آمریکا و اسرائیل با ایران معرفی می‌کند. بی‌گمان ایران یکی از مخاطبان جدی این معاهده است، به‌ویژه از منظر ریاض که همچنان نگران سربرز درگیری تهران-واشینگتن به منطقه خلیج فارس است. اما تمرکز صرف بر ایران، تصویری ناقص به دست می‌دهد. برای ترکیه، به گفته تحلیلگران، محرک اصلی نه ایران، بلکه اسرائیل است؛ همسایه‌ای که پس از حمله هوایی به دوحه، در نگاه آنکارا به تهدیدی رویه‌رشد بدل شده است. سکوت هم‌زمان تهران، تل‌آویو و دهل‌نو در برابر این توافق نیز گویاست. دفتر نتانیاهو از هرگونه اظهار نظر خودداری کرد، وزارت خارجه هند آن را تحویلی برای پیگیری دقیق‌تر خواند و ایران نیز واکنش فوری نشان نداد. این خویش‌نماری هم‌زمان نشان می‌دهد پیمان مکه را باید سندی با چند هدف خواند، سندی که هم‌زمان معادلات ایران و اسرائیل را در نظر دارد و نمی‌توان آن را به یک محور واحد فروکاست.

صفحه‌بزرگ شطرنج

در یادداشت‌هایی در همان ایام نیز نوشتم که حالا برای چین و هند فقط یک راه باقی مانده است تا اتصال این اقتصاد سه میلیارد نفری را خارج از کنترل آمریکا با اروپا برقرار کنند و آن‌هم از طریق ایران است و البته اگر جنگ اوکراین و غزه می‌تواند آن دو راه را ببندد، چرا برای تصرف ایران تلاش شود تا کلا برای همیشه بتوان این اقتصاد سه میلیارد نفری را کنترل کرد؟ متأسفانه ما درون این تابلو نقاشی یا به گفته برژنفسکی داخل این صفحه بزرگ شطرنج هستیم و نه‌تنها برایمان سخت است تا از بیرون و با فاصله به این صفحه نگاه کنیم، بلکه شاید همچون مهره سرباز در این بازی شطرنج، خیلی که حواس‌مان باشد، این را ببینیم که ممکن است هر لحظه توسط فیل، اسب، قلعه و وزیر کشته شویم. شاید برای همین وسط معرکه بودن است که هر چه هم توجه بدهیم که به کل صفحه شطرنج باید نگرستیم، بی‌فایده است و همچون موری که در جای پای اسبی که از باران دیشب بر شده، افتاده باشیم، فرایم می‌نیزم دنیا را آب برد. اما این صفحه شطرنج بسیار بزرگ‌تر از تصور ماست؛ صفحه‌ای است برای کنترل جهان، حداقل برای ۵۰ سال آینده و متأسفانه ایران مانند تمامی تاریخ خود در جایی پراهمیت برای جهان قرار گرفته است؛ جایی که غرب برای کنترلش دو کودتای ۱۲۹۹ و ۱۳۳۲ را انجام داد. سرزمینی که برای شکست آلمان نازی، در جنگی که هیچ ربطی به ما نداشت اشغال شدیم و برای آنها که با هم بر سر کنترل جهان جنگ داشتند، شدید پل پیروزی. حالا هم جنگ کنونی، این‌طور که برژنفسکی و چنی گفتند، جنگی برای کنترل جهان است؛ حتی اگر ما نخواهیم صفحه بزرگ شطرنج را ببینیم و اصرار داشته باشیم این به خاطر آن است که ایران نخواست مذاکره مستقیم داشته باشد.

ادغام نیروهای کُرد در دولت سوریه، هم‌زمان معادلات دمشق، قامشلی و آنکارا را تغییر داده است

آزمون سوریه واحد

شرق؛ فرمانده نیروهای دموکراتیک سوریه در مراسم صدمین سال تأسیس شهر قامشلی واقع در مرز ترکیه و سوریه، اعلام کرد مرحله ادغام نهادهای نظامی، امنیتی و اداری تحت رهبری کردها در ساختارهای ملی سوریه «تکمیل و تمام» شده است. ادغام ساختارهای نظامی، امنیتی و اداری کردهای سوریه در دولت مرکزی، هم‌زمان با نزدیک‌ترشدن دمشق و آنکارا، معادلات شمال شرق را وارد مرحله تازه‌ای کرده است؛ مرحله‌ای که می‌تواند آینده حقوق کردها، امنیت مرز ترکیه و انسجام دولت را تعیین کند. جمله بعدی مظلوم عبیدی، فرمانده نیروهای دموکراتیک سوریه، شاید مهم‌تر بود: «از این پس وارد مرحله تازه‌ای می‌شویم». این مرحله تازه در عمل پایان یکی از مهم‌ترین ساختارهای نیمه خودمختاری است که در جریان جنگ داخلی سوریه شکل گرفت؛ ساختاری که سال‌ها ارتش، نهادهای امنیتی و اداره غیرنظامی خود را داشت و بخش بزرگی از شمال و شمال شرق کشور را کنترل می‌کرد. اعلام عبیدی نتیجه ماه‌ها مذاکره پس از توافق ۲۹ ژانویه او با احمد الشرع، رئیس جمهور سوریه است. توافق پس از درگیری میان نیروهای کرد و نیروهای وابسته به دولت تازه دمشق شکل گرفت؛ درگیری‌هایی که در آن اس‌دی‌اف بخشی از مناطق تحت کنترل چندساله خود در شمال شرق نفت‌خیز را از دست داد. آمریکا و فرانسه در رسیدن دو طرف به توافق نقش میانجی داشتند و ترکیه نیز از آن حمایت کرد. اجرای توافق از سطح اعلام سیاسی فراتر رفته است. نیروهای دولت سوریه وارد حسکه و قامشلی شده‌اند، فرودگاه قامشلی و میدان‌های مهم نفتی به کنترل دمشق درآمده و چند یگان متشکل از نیروهای سابق اس‌دی‌اف با فرماندهان پیشین کرد در ارتش سوریه ادغام شده‌اند. دمشق همچنین سیان حوم، از مقام‌های ارشد سابق اس‌دی‌اف را به عنوان معاون وزیر دفاع در امور منطقه شرقی منصوب کرده است؛ نشانه‌ای که حکایت از ورود بخشی از ساختار قدرت کردی به درون دولت جدید دارد، نه صرفا تحویل مناطق و تأسیسات. برای دمشق، این تحول به معنای بازگرداندن یکی از قدرتمندترین مناطق نیمه‌مستقل کشور به ساختار دولت مرکزی است. برای رهبران کُرد اما روایت متفاوتی وجود دارد. عبیدی تأکید کرده ادغام به معنای کنارگذاشتن مطالبات سیاسی نیست و مابازگشت حقوق کردها در قانون اساسی ادامه خواهد یافت. بنابراین آنچه پایان می‌یابد، بیش از آنکه خود «مسئله کردها» باشد، ششوی پیشین پیگیری آن است: قدرت نظامی مستقل جای خود را به چانه‌زنی درون دولت، قانون اساسی و نهادهای ملی می‌دهد. دولت تازه سوریه نیز گام‌هایی در این جهت برداشته است. فرمانی که اوایل سال ۲۰۲۶ امضا شد، حقوق ملی کردها را به رسمیت شناخت و زبان کردی را به عنوان یک زبان ملی پذیرفت. مقام‌ها همچنین برای حل پیامدهای سرشماری استثنائی سال ۱۹۶۲ که بسیاری از کردهای سوریه را بدون تابعیت گذاشت، اقدام کرده‌اند. این تحولات با سیاست چنددهه‌ای حکومت خاندان اسد فاصله دارد؛ سیاستی که رهبران کُرد آن را عامل حاشیه‌راندن تغییر خود و تحقیر بافت جمعیتی شمال شرق می‌دانند. با این حال، توافق رهبران هنوز به معنای حل همه مسائل روی زمین نیست. اختلاف بر سر مالکیت زمین، جابه‌جایی‌های دوران جنگ و بازگشت خانواده‌های کُرد به خانه‌های سابق خود در قامشلی، حسکه و رأس‌العین نشان داده است تنش‌های محلی می‌توانند مسیر توافق بزرگ‌تر دمشق و اس‌دی‌اف را دشوار کنند. قامشلی که عبیدی آن را نماد هم‌بستگی کردها، عرب‌ها، سریانی‌ها، آشوری‌ها، ارمنی و دیگر گروه‌ها خوانده، اکنون به آزمونی برای همین ادعا تبدیل می‌شود.

رود ۱۰ هزار نیرو به ارتش سوریه

بخش نظامی توافق، حساس‌ترین قسمت این انتقال است. محمود برخدان، فرمانده اس‌دی‌اف در عین‌العرب یا کوبانی، در اظهاراتی که روزنامه ترکیه به او نسبت داده، گفته است ۹۹ درصد مسائل مربوط به ادغام نظامی با دمشق حل شده و حدود ۱۰ هزار عضو یگان‌های مدافع خلق، یک‌پک، وارد ارتش سوریه شده‌اند. به گفته او، یک‌پک نیز ظرف آینده منحل خواهد شد و ساختار اداره خودمختار شمال و شمال شرق سوریه از میان می‌رود. برخدان موضع خود را صریح‌تر بیان کرده است: «سلاح‌هایمان را دفن کرده‌ایم و خواهان کشور مستقل نیستیم». او از یک‌ارتش، یک دولت، یک پرچم و یک میهن مشترک» سخن گفته است. چنین تعبیری، اگر در عمل نیز تثبیت شود، یکی از بنیادی‌ترین تغییرات در ساختار سیاسی سوریه پس از آغاز جنگ در سال ۲۰۱۱ خواهد بود. در نگاه نخست، میان سخنان عبیدی و برخدان تفاوت کوچکی دیده می‌شود؛ یکی فرایند ادغام را تمام‌شده اعلام می‌کند و دیگری از حل ۹۹ درصد مسائل نظامی می‌گوید. اما این دو روایت الزاما متضاد نیستند. اعلام عبیدی را می‌توان پایان سیاسی و نهادی فرایند دانست، در حالی که سخنان برخدان نشان می‌دهد بخشی از جزئیات اجرایی هنوز باقی مانده است. وضعیت یگان‌های مدافع زان -ی-پژ- و همچنین اتباع ترکیه حاضر در نیروهای کردی ازجمله همین موارد حل‌نشده است. در همین حال، عبیدی اعلام کرده نیروهای کردی که از مناطق کردنشین عراق، ایران و ترکیه برای حمایت از اس‌دی‌اف وارد سوریه شده بودند، طبق فراخوان و برنامه این نیرو از کشور خارج شده‌اند. این تحول برای ترکیه اهمیت ویژه دارد. آنکارا بیش از چهار دهه با پ‌ک‌ک جنگیده، آن را یک سازمان تروریستی می‌داند و حضور نیروهای مرتبط با آن در ساختارهای کردی سوریه را یکی از مهم‌ترین تهدیدهای مرزی خود تلقی کرده است.

روسیه در یکی از گسترده‌ترین حملات هوایی اخیر خود، کی‌یف و مناطق اطراف پایتخت اوکراین را با موشک‌های بالستیک و کروز و ده‌ها پهپاد هدف قرار داد که به گفته مقام‌های اوکراینی، دست‌کم ۱۴ کشته و بیش از ۳۰ زخمی برجا گذاشت. در پی این حملات، شهردار کی‌یف گفت در پایتخت اوکراین غزای عمومی خواهد بود. مقام‌های محلی همچنین از کشته‌شدن دست‌کم یک نفر و زخمی شدن هفت نفر دیگر در مناطق اطراف کی‌یف خبر دادند. نیروی هوایی اوکراین می‌گوید روسیه در حملات شبانه، ده‌ها موشک بالستیک، کروز و مافوق صوت به همراه ۱۶۸ پهپاد به سوی این کشور شلیک کرد و منطقه کی‌یف هدف اصلی این حملات بود.

ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین، گفت روسیه «مدت زیادی» برای این حمله آماده شده و با ترکیب انواع موشک‌ها و پهپادها تلاش کرده است بیشترین خسارت ممکن را به زیرساخت‌های غیرنظامی وارد کند. سازمان خدمات اضطراری اوکراین نیز اعلام کرد امدادگران دو نفر را از زیر آوار نجات داده‌اند و عملیات جست‌وجو و امدادرسانی در مناطق آسیب‌دیده همچنان ادامه دارد. در جریان این حملات، یک پهپاد نیز وارد حریم هوایی رومانی شد و در نزدیکی مرز اوکراین سقوط کرد. رومانی که عضو ناتو و اتحادیه اروپاست، جنگنده‌ها و یک بالگرد را به پرواز درآورد و دو جنگنده اف ۱۸- اسپانیا نیز برای نظارت در وضعیت به منطقه اعزام شدند.

آندری سیبیها، وزیر خارجه اوکراین، روسیه را متهم کرد که بار دیگر حریم هوایی رومانی و مولداوی را نقض کرده و یک گذرگاه مرزی میان اوکراین و مولداوی را نیز هدف قرار داده است. ورود پهپادهای روسی به حریم هوایی کشورهای همسایه اوکراین پیش از این نیز گزارش شده است. در ماه می یک پهپاد در شهر گالاتاس رومانی به سقف یک ساختمان مسکونی برخورد کرد و بر اثر انفجار آن دو نفر زخمی شدند. حملات گسترده روسیه در



بازگشت آنکارا به دمشق

اهمیت تحولات شمال شرق فقط به رابطه کردها و دمشق محدود نیست. تقریبا هم‌زمان با اعلام پایان ادغام، رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، از سفر قریب‌الوقوع خود به سوریه خبر داده است؛ سفری که قرار بود بهار امسال انجام شود، اما جنگ ایران و بسته‌شدن حریم هوایی منطقه آن را به تعویق انداخت. این سفر از نظر نمادین اهمیت زیادی دارد. اردوغان آخرین بار ژانویه ۲۰۱۱، زمانی که نخست‌وزیر ترکیه بود، به دمشق رفت؛ حدود دو ماه پیش از آغاز اعتراضات سوریه و شکافی که در نهایت روابط دو کشور را برای سال‌ها قطع کرد. اکنون احمد الشرع از زمان سقوط حکومت بشار اسد در دسامبر ۲۰۲۴ چهار بار به ترکیه سفر کرده و رفت‌وآمد مقام‌های ارشد دو کشور افزایش یافته است. لحن اردوغان درباره کردهای سوریه نیز تغییر درخور توجهی نشان می‌دهد. او گفته کردها می‌توانند در صلح و ثبات سوریه نقش داشته باشند و وعده داده ترکیه روابط خود با جوامع کردی در منطقه را تقویت کند. این موضع هم‌زمان با تحول دیگری در داخل ترکیه مطرح شده است؛ پارلمان این کشور قانون «تقویت همبستگی ملی و یکپارچگی اجتماعی» را تصویب کرده که امکان بازگشت و ادغام اعضای پ‌ک‌ک در جامعه ترکیه را در چارچوب روند «ترکیه بدون ترور» فراهم می‌کند. طرف کردی همین روند را «صلح و جامعه دموکراتیک» می‌نامد. برخدان نیز در سخنان خود از اردوغان و دولت باخچه‌لی، رهبر حزب حرکت ملی، برای نقشی که در این فرایند داشته‌اند، تمجید کرده است. کنار هم قرارگرفتن این تحولات، تصویر متفاوتی از چند سال قبل می‌سازد: نیروهایی که آنکارا حضورشان در مرز را تهدیدی مستقیم می‌دانست، اکنون در حال ادغام در ارتش سوریه‌اند و بخشی از رهبران آنها از روند سیاسی ترکیه استقبال می‌کنند. برای ترکیه، این تغییر فقط یک پیروزی امنیتی نیست؛ می‌تواند راه را برای تعمیق روابط با سوریه باز کند. ییلماز گفته چهار تهدید راهبردی در مرز مشترک -قاچاق انسان، مواد مخدر، مهاجرت غیرقانونی و تروریسم- پس از سقوط حکومت پیشین از میان رفته‌اند. تجارت دو کشور نیز ۴۰ درصد افزایش یافته و به ۳۰۷ میلیارد دلار رسیده و هدف میان‌مدت رساندن آن به ۱۰ میلیارد دلار است. مذاکرات درباره توافق تجارت آزاد، مناطق صنعتی مشترک و بازگشایی همه گذرگاه‌ها در مرز بیش از ۹۰۰کیلومتری دو کشور ادامه دارد. وزارتخانه‌های خارجه و کشور ترکیه نیز روی ترتیبات تازه روایتی کار می‌کنند تا سوری‌هایی که به کشور خود بازگشته‌اند بتوانند آسان‌تر به ترکیه رفت‌وآمد کنند. به این ترتیب، حل نسبی پرونده کردها می‌تواند از یک مانع امنیتی به سکویی برای همکاری اقتصادی و سیاسی تبدیل شود.

آغاز یک آزمون

با این همه، اعلام پایان ادغام را نمی‌توان پایان داستان دانست. دولت الشرع اکنون کنترل بیشتری بر شمال شرق، فرودگاه‌ها و منابع انرژی پیدا کرده و یک نیروی نظامی مستقل قدرتمند را وارد ارتش ملی کرده است؛ اما موفقیت واقعی این توافق زمانی سنجیده می‌شود که پرسش حقوق کردها، فرماندهی امنیتی، بازگشت آوارگان، مالکیت زمین و جایگاه سیاسی مناطق کردنشین به پاسخ‌های پایدار برسد. کردها نیز وارد معامله‌ای پرریسک شده‌اند. ابزار چانه‌زنی اصلی آنان دیگر ساختار نظامی مستقل و اداره خودمختار نیست؛ از این پس باید حقوق خود را از مسیر قانون اساسی، دولت، ارتش و نهادهای رسمی تضمین کنند. وعده درباره زبان کردی، تابعیت و مشارکت سیاسی باید از فرمان و سخنانی به قواعد ماندگار تبدیل شود، وگرنه ادغام می‌تواند از نگاه بخشی از جامعه کُرد نه مشارکت، بلکه از دست دادن اهرم قدرت تلقی شود. برای ترکیه هم آزمون مشابهی وجود دارد. اگر یک‌پک منحل شود، نیروهای مرتبط با پ‌ک‌ک خارج شوند و ارتش واحد سوریه کنترل مرز را در دست بگیرد، یکی از مهم‌ترین نگرانی‌های آنکارا کاهش می‌یابد. در مقابل، ترکیه باید با حضور سیاسی کردها در ساختار جدید سوریه کنار بیاید؛ مسیری که سخنان تازه اردوغان نشان می‌دهد دست‌کم در سطح سیاسی آغاز شده است.

حملات موشکی و پهپادی روسیه به اوکراین

شرایطی ادامه دارد که اوکراین با کمبود سامانه‌های پدافند هوایی قادر به رهگیری موشک‌های بالستیک سریع رویه‌رو است. زلنسکی در هفته‌های اخیر بارها از متحدان غربی خواسته است تجهیزات پدافند هوایی بیشتری در اختیار اوکراین قرار دهند و از آمریکا نیز خواسته روند اعطای مجوز تولید سامانه‌های پاتریوت در اوکراین را پیش ببرد.

او پس از حملات روز پنجشنبه گفت تا زمانی که اوکراین پدافند کافی در برابر موشک‌های بالستیک نداشته باشد، روسیه «صلح را جدی نخواهد گرفت». هم‌زمان، مقام‌های منطقه تاتارستان روسیه اعلام کردند در پی حمله پهپادی اوکراینی به یک مجتمع صنعتی در شهر نیتزکا‌مسک، چند نفر زخمی شده‌اند.

گزارش

راهیابی نخستین افغان تبار به کنگره آمریکا

عایشه وهاب، سناتور ایالتی کالیفرنیا، پس از پیروزی در انتخابات میان‌دوره‌ای روز پنجشنبه، به عضویت مجلس نمایندگان آمریکا درآمد. او دوره نمایندگی اریک سوالول، نماینده پیشین مجلس نمایندگان را به اتمام خواهد رساند. اریک سوالول، نماینده دموکرات کنگره که برای فرمانداری کالیفرنیا نامزد شده بود، پس از آنکه به تجاوز و آزار و اذیت جنسی متهم شد، در ماه آوریل از ادامه رقابت انتخاباتی کناره‌گیری کرد و از کنگره استعفا داد.

عایشه وهاب تا پایان دوره اریک سوالول در ماه ژانویه، نمایندگی حوزه انتخابیه چهاردهم کالیفرنیا در مجلس نمایندگان را بر عهده خواهد داشت. این حوزه انتخابیه بخش‌هایی از آلآمدا در شرق خلیج سان‌فرانسیسکو را در بر می‌گیرد.

این زن ۳۹ساله نخستین آمریکایی افغان‌تبار خواهد بود که به کنگره آمریکا راه می‌یابد. عایشه وهاب متعلق به جناب موسوم به پیشروها در حزب دموکرات است و در انتخابات روز پنجشنبه توانست رقیبش ملیسا هرناندز را شکست دهد.

عایشه وهاب در بیانیه‌ای گفت: «من برای این حوزه‌ای که مرا بزرگ کرد، مبارزه خواهم کرد. از سرپرستی در دوران کودکی تا کنگره، این مسیر نشان‌دهنده امکان تحقق رؤیای آمریکایی است.»

عایشه وهاب زمانی که در سال ۲۰۱۸ به عضویت شورای شهر هلیوارد انتخاب شد، به نخستین آمریکایی افغان‌تبار تبدیل شد که برای یک سمت دولتی در آمریکا انتخاب شده است. او در دوران حضورش در سنای ایالتی کالیفرنیا و همچنین در جریان کارزار انتخاباتی خود، بر موضوع مقرون‌به‌صرفه‌بودن و دسترسی به مسکن تاکید زیادی کرد. او همچنین در سال ۲۰۲۳ طرحی برای ممنوعیت تبعیض مبتنی بر نظام کاست ارائه کرد که در سطح ملی مورد توجه قرار گرفت. با این حال، گاوین نیوسام، فرماندار دموکرات کالیفرنیا، این طرح را وتو کرد و گفت چنین تبعیضی پیش‌تر نیز براساس قوانین حمایت از حقوق مدنی ممنوع بوده است.



عایشه وهاب و ملیسا هرناندز بار دیگر در انتخابات میان‌دوره‌ای ماه نوامبر با یکدیگر رقابت خواهند کرد. نتیجه آن رای‌گیری مشخص خواهد کرد چه کسی برای دوره کامل دوساله از ۲۰۲۷ تا ۲۰۲۹ عضو مجلس نمایندگان خواهد بود. عایشه وهاب در منطقه کونینز نیویورک به دنیا آمد. والدین او پناهندگانی بودند که در جریان جنگ اتحاد جماهیر شوروی سابق و افغانستان در دهه ۱۹۸۰، افغانستان را ترک کرده بودند. پدر عایشه اندکی پس از تولد او به قتل رسید و رسیدگی به این پرونده قتل هرگز به سرانجام نرسید. مادر عایشه وهاب نیز پس از مدت کوتاهی درگذشت.

آگهی تحدید حدود اختصاصی

نظر به اینکه هیئت اختلاف مستقر در ثبت گناوه‌مالکیت به تصرفات مفروزی و مالکانه آقای حجت اله زارعی را نسبت به شش دانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین کشاورزی به مساحت ۱۲۰۰۴۶ مترمربع قسمتی از پلاک ۹۰۴ واقع در مال محمود گناوه بخش ۶بوشهر که جهت پلاک ۲۴۲/۹۰۴ قانون گردیده برابر رای شماره ۱۰۰۹/۱۴۰۵۶۰۳۲۴۰۰۱۰۰ مورخ ۱۳۰۵/۲/۲۰ تایید نموده و آگهی موضوع ماده ۳ و ماده ۱۳ آیین نامه ی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی ساختمانهای فاقد سند رسمی و قانون ثبت نیز منتشر گردیده لذا آگهی تحدید حدود اختصاصی آن به استناد مادنتین ۱۴ و ۱۵ قانون ثبت و تبصره ذیل ماده ۱۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی ساختمان فاقد سند رسمی و قانون ثبت نیز منتشر گردیده به اطلاع متصرفان و مجاورین و صاحبان حقوق ارفضائی می رساند که عملیات تحدیدی در صبح مورخ ۲۳/۵/۱۴۰۵ در محل شروع به عمل خواهد آمد.لذا بدینوسیله از متصرف نامبرده و مجاورین دعوت می شود در وقت تعیین شده فوق در محل وقوع ملک حضور یابند واخواهی نسبت به حدود ارتضای برابر ماده ۲۰ قانون ثبت از تاریخ تنظیم صورت جلسه تحدید حدود به مدت ۳۰ روز پذیرفته می شود.معرضین نسبت به حدود و حقوق ارفضائی مکلفن مطابق تبصره ماده ی ۸۶ آیین نامه قانون ثبت و تبصره ۲ ماده واحده قانون تعیین تکلیف پرونده معرضین ثبتی مصوب ۷۳/۰۳/۲۵ طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض کتبی به اداره ثبت دادخواست به مراجع قضائی محل وقوع ملک تسلیم و تصدیق گواهی به جریان دعوی را به جهت ضبط در پرونده از دادگاه مربوط به اخذ و به ثبت تسلیم نمایند و الا حق آنان ساقط می شود.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۵/۳۱

شناخه: ۲۲۵۱۸۹۲۳

محمد چهابدار
رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان گناوه
از طرف، عبدالحسین بکناش ۳۵۹۴